



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱ • ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۶ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۹۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۶
اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

# شرق

دیالوگ روز

**جزء از کل نیویورک - چارلی کافمن - ۲۰۰۸**

کیدن کوتار (فیلیپ سیمورا): اون چیزی که قبلاً در برابر تو وجود داشت، اون آینده هیجان آور و رمزآلود ... الان در پشت سر تو قرار گرفته، اونو زندگی کردی، اونو فهمیدی و از اون ناامید شدی

عکس: مرئضی الباسی /فارس

#### زمین خوانی

### چالش تغییر اقلیم و توسعه

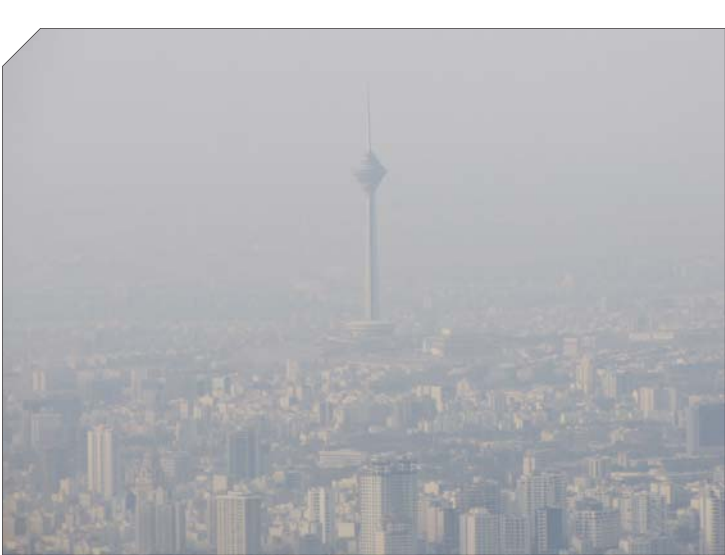
در هفته سوم مهرماه ۱۴۰۱، سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم با اشاره به بهره‌برداری از سامانه معاینه فنی موتورخانه‌ها گفت: «اگر معاینه فنی موتورخانه‌ها انجام نشود، مصرف گاز و نیز میزان آلاینده‌ها در موتورخانه‌ها کاهش می‌یابد. اگر معاینه فنی موتورخانه‌ها انجام نشود، دو اتفاق خوب می‌افتد؛ اول اینکه مصرف گاز کاهش می‌یابد که از نظر اقتصادی به نفع بهره‌برداران است. دیگر اینکه میزان آلاینده‌ها در موتورخانه‌ها کاهش می‌یابد. بحث پایش سوخت نفت و گاز و بنزین با همکاری سازمان ملی استاندارد درحال انجام است». این دفتر در سازمان حفاظت محیط زیست، از سال ۱۳۵۳ با نام دفتر پاک‌سازی هوا و از ۱۳۷۷ با نام «دفتر بررسی آلودگی هوا» فعالیت کرده و از سال ۱۳۹۰ به نام مرکز ملی هوا و «تغییر اقلیم» تغییر نام داده است و به‌این‌ترتیب برای اولین‌بار سازمان حفاظت محیط زیست دارای بخشی با نام و عنوان «تغییر اقلیم» شده است که نشان از سطح و میزان حساسیت به مسئله تغییر اقلیم دارد.

اولین ویژگی کلیدی تغییر اقلیم که آن را با مسائل زیست‌محیطی گذشته در تضاد قرار می‌دهد این است که یک چالش جهانی است نه یک چالش محلی. یک تن دی‌اکسید کربن در هر جای جهان آزاد شود، آسیب مشابهی به همه جهان وارد می‌کند. مدیریت و تنظیم دی‌اکسید کربن بسیار دشوار است. آسیب ناشی از بیشتر عوامل تغییرات اقلیمی در آینده اتفاق خواهد افتاد. افرادی که بیشترین آسیب را از تغییرات اقلیمی متحمل می‌شوند، هنوز به دنیا نیامده‌اند. برای سیاست‌مداران انگیزه کمی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد، زیرا این کاهش‌ها در آینده به نفع مردم خواهد بود و نه رأی‌دهندگان فعلی آنها. با وجود تهدید جهانی ناشی از عوامل مؤثر در تغییر اقلیم، برای دانشمندان دشوار است که آنها را به یک فاشته‌زیست‌محیطی خاص مرتبط کنند. بدون معرفی یک مقصر قطعی، نادیده‌گرفتن یا توضیح اثرهای تغییرات اقلیمی برای افراد بدبین آسان‌تر است. اینکه از کشورهای بسیار فقیر که در آنها مردم نگران هستند وعده غذایی بعدی خود را از کجا بیآورند یا اینکه آیا می‌توانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند یا نه، می‌خواهیم هزینه‌هایی را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای متحمل شوند تا به نفع جهان باشد، این کاری بسیار سخت و در بسیاری از مواقع غیرممکن است. زندگی مدرن بخشی از مشکل است. امکانات مدرن مانند برق، حمل‌ونقل و تهویه مطبوع به تغییرات اقلیمی کمک می‌کند و تلاش برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی به‌طور بالقوه مستلزم فداکاری قابل‌توجه در تغییر سبک زندگی مدرن است.

پیشرفت‌های بزرگی در کاهش هزینه‌های خورشیدی و باتری‌های خودروهای الکتریکی حاصل شده اما این جایگزین‌ها هنوز بسیار گران و پرهزینه هستند و راه‌حلی رایگان برای غلبه بر تغییرات اقلیمی نیز وجود ندارد. حساب‌کردن روی بهترین سناریوی انتشار گازهای گلخانه‌ای سیاست مؤثری نیست. گرمایش جهانی ممکن است با وجود تلاش‌ها برای کاهش، ادامه یابد. ایالات متحده ۲۵ درصد، چین حدود ۱۵ درصد و اتحادیه اروپا حدود ۱۵ درصد در انتشار دی‌اکسید کربن جهانی را نقش دارد.

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای -از طریق مالیات‌بستن بر تولید کربن، سهمیه‌دادن به انتشار، پذیرش فناوری‌های انرژی «سبز»- باید همچنان بخشی اساسی از سیاست‌های اقلیمی باشد. تحقیقات زیست‌محیطی بر چگونگی کاهش انتشار و مزایای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه به کشورهایمانند کشور ما کمک می‌کند. سؤال مهم آن است که آیا برای جلوگیری از افزایش دمای بیش از ۱٫۵ یا دو درجه سانتی‌گراد تا پایان قرن، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کافی است؟ با توجه به واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی، بسیار بعید است که جهان حتی به اهداف فعلی برای کاهش انتشار دی‌اکسید کربن نزدیک شود. حتی خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها درباره کاهش انتشار دی‌اکسید کربن حاکی از تجمع قابل‌توجه دی‌اکسید کربن در جو و در نتیجه افزایش تدریجی دما در سراسر جهان است.

هر سیاست اقلیمی که اتخاذ شود، ابهام زیادی درباره آنچه در نتیجه اتفاق خواهد افتاد، وجود خواهد داشت. برای هر سناریوی واقعی برای کاهش انتشار دی‌اکسید کربن، احتمال قوی افزایش میانگین دمای جهانی در ۵۰ سال آینده وجود دارد که می‌تواند به سه درجه سانتی‌گراد یا حتی بیشتر برسد. دمای بالاتر می‌تواند منجر به بالاآمدن سطح دریا، تغییرپذیری بیشتر اقلیم، سیل‌ها و طوفان‌های شدیدتر و حتی تحریک کسل‌های لرزه‌زا در جهت تسریع وقوع زلزله‌های بزرگ شود. نتیجه می‌تواند فاجعه‌بار باشد، به‌خصوص اگر جامعه برای آن آمادگی نداشته باشد. به دلیل عدم قطعیت بسیار زیاد، باید برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بیشتر تلاش کنیم اما کاهش انتشار کافی نیست. باید روی سازگاری نیز سرمایه‌گذاری کنیم. انطباق می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. توسعه محصولات هیبریدی جدید، اتخاذ سیاست‌هایی برای جلوگیری از ساخت‌وساز بیشتر در حاشیه شهرها، جلوگیری از برداشت بیشتر از آب‌های زیرزمینی، در مناطق مستعد فرونشست زمین که لرزه‌خیز هم هستند (مانند حاشیه شهرهای تهران، کرج، تبریز، مشهد و کرمان)، پیشگیری از وقوع سیلاب یا آتش‌سوزی، ساختن دیوارهای دریایی و دایک‌ها و مهندسی زمین، نمونه‌هایی از سازگاری هستند. تحقیقات و سیاست‌های تغییرات اقلیم باید بیش از گذشته بر سازگاری تأکید کنند.



### طبیانه‌های تاریخ ما

# آنچه می‌بینیم و آنچه گذشت



عبدالرضا ناصر مقدسی

متخصص مغز و اعصاب

تاریخ را می‌توان از زوایای مختلفی روایت کرد. حتی اگر تمام جزئیات یک حادثه تاریخی مشخص باشد، باز روایت‌ها از آن متفاوت است. شاید بتوان علت این موضوع را رابطه پیچیده ذهنیت و عینیت دانست. آیا می‌توانیم چیزی را پیدا کنیم که صددرصد ذهنی یا عینی باشد یا نه، در برخورد با هر موضوعی جنبه‌های عینی و ذهنی را می‌توان در آن یافت البته به درصدها و وزن‌های مختلف؟ این موضوع از حضور عنصری به نام آگاهی در حیات انسانی ناشی می‌شود. می‌توانیم مانند اسقف بارکلی همه چیز را ناشی از آگاهی بدانیم یا نه، مثل بسیاری از متفکران حال‌حاضر دنبال توضیحی مادی و ماتریالیستی از همه چیز باشیم. مشخص نیست که این دعوا در نهایت به کجا ختم می‌شود اما واقعیت اینجاست که ذهن آگاه این‌ خصلت را دارد که تجربه مخصوص به خود را داشته باشد. اصلا آگاهی به‌معنای همین جنبه شخصی یک تجربه است؛ بنابراین از یک واقعه تاریخی هرکسی می‌تواند روایت خاص خود را داشته باشد. این روایت تجربه زیسته اوست. آنچه در اینجا هم می‌خواهیم بیان کنیم همین تاریخ به روایت تجربه‌های زیسته است. تجربه‌هایی که اگر چه از واقعیت می‌توانند فاصله بگیرند، اما همان چیزی هستند که بشر با آنها زیسته و بر

### هنر خوانی

## هنر بیشتر می‌ارزد یا غذا؟

دو دختر جوان از فعالان محیط زیست برای جلب توجه در زمینه مصرف انرژی در جهان، با سوپ گوجه‌فرنگی به تابلو نقاشی «کل‌های آفتابگردان» اثر ۸۰ میلیون دلاری «ون‌گوگ» حمله کردند. به گزارش گاردین، این اثر نفیس و معروف که با شیشه محافظت می‌شود، توسط این دو معترض در گالری ملی لندن مورد حمله قرار گرفت. بر روی لباس آنها عبارت «Just Stop oil» (نفت را متوقف کنید)؛ به چشم می‌خورد و بعد دست خود را به دیوار پایین این تابلو چسباندند. این کارزار را فعالان محیط زیست آغاز کردند و از دولت می‌خواهند فوراً تمام مجوزها و موافقت‌های آینده برای اکتشاف، توسعه و تولید سوخت‌های فسیلی در بریتانیا را متوقف کند. این افراد پس از این اقدام اعتراضی فریاد زدند: «چه چیزی ارزش بیشتری دارد؟ هنر یا زندگی؟ آیا ارزشش بیشتر از غذاست؟ بیشتر از عدالت؟ آیا شما بیشتر نگران حفاظت از یک نقاشی هستید یا حفاظت از سیاره و مردم ما؟ بحران هزینه‌های زندگی بخشی از بحران هزینه‌نفت است. سوخت برای میلیون‌ها خانواده سرد و گرسنه غیرقابل استطاعت است. آنها حتی نمی‌توانند یک قوطی سوپ گرم کنند». پس از این حادثه، کارکنان گالری ملی به‌سرعت اتاق را خالی کردند و پس از آن تأیید کردند آسیبی جزئی به قاب اثر وارد شده اما نقاشی آسیبی ندیده است. دو فرد معترض نیز توسط پلیس لندن دستگیر شدند. فعالان محیط زیست در جهان درصددند به شیوه‌های مختلف توجه مردم را به دغدغه‌هایشان



• پانزدهمین جشنواره ملی آش ایرانی همه ساله در شهر زنجان برگزار و اقوام مختلف ایرانی در آن به رقابت می‌پردازند. در جشنواره امسال ۱۲۰ غرفه برپا شده بود که ۳۰ غرفه از منتخبین ادوار گذشته بود. عکس: مرئضی الباسی /فارس

#### زنان

### چند حذف‌بی‌دلیل

این روزها دختران و زنان در خیابان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها هرکدام به‌گونه‌ای درباره خواسته خود سخن می‌گویند. شاید از این‌رو بود که شهرداری تهران سعی کرد با نصب یک تابلونگار به قدردانی از زنان سرزمین ایران ببردازد؛ پروژه‌ای که موفق نبود و تبدیل به شکست در عرصه ارتباطی شد. شهرداری یک تلاش ناموفق دیگر نیز در این زمینه انجام داد و آن نصب بیلبورد «بیتارین پرچم ایران» بود که در دستان یک زن قرار داشت.

پرچمی که رنگ‌های پرچم ایران را برعکس قرار داده بود و بسیاری را حیرت‌زده، وادار به واکنش کرد و این سؤال مطرح شد که واقعا در شهرداری چه خبر است؟ اما امیدوارانه می‌توان این‌طور برداشت کرد که حداقل در شهرداری تهران، فریاد زنان و دختران شنیده شده است. این روزها این توقع وجود دارد که دیگر دستگاه‌های دولتی و عمومی نیز قدم‌هایی در این زمینه بردارند. شاید این توجه را بتوان از فراگیرترین رسانه این روزها آغاز کرد؛ یعنی صداوسیما ملی. البته منظور بخش خبری آن نیست که نمی‌توان انتظاری از آن داشت. شاید کام اول تغییر نحوه حضور زنان و دختر در نماینگ سرود ملی ایران باشد؛ همان نماینگی که خون را در بدنمان به جوش می‌آورد و قرار است به یادمان بیاورد چقدر ایران عزیزمان را دوست داریم و هر شبکه صداوسیما با نماینگی خاص خود سرود ملی را پخش می‌کند. البته می‌توان حتی این کام را کوچک‌تر برداشت و این درخواست را از شبکه پویا داشت. همان شبکه مخصوص کودکان که برنامه‌های آموزشی و سرگرم‌کننده برای گروه سنی زیر ۱۵ سال تهیه می‌کند. وقتی نماینگ سرود ملی این شبکه را مشاهده کنید، از ورزشکاران پسر و مردانی که در عرصه‌های مختلف توانسته‌اند افتخارآفرینی کنند تا مردان جانباز و بازمانده دفاع مقدس را می‌توان در آن مشاهده کرد؛ مردانی که به انواع مختلف برای اعتلا و آبادانی کشورمان قدمی بردارند.

اما نکته مهم، غیبت زنان و دختران در این نماینگ است. البته نه اینکه اصلا نباشند، هستند؛ در حد اینکه از کنار حوضی در مکانی تاریخی بگذرند یا از خیابان و مقابل یک تابلو عبور کنند. حتی خبری از ورزشکاران زن یا مسدال‌آوران نخبه المپیادها یا همان رسم معمول و چهره زنان همسر جانباز و رزمنده هم نیست. این جای خالی بزرگ و حذف زنان و دختران در این روزها بیشتر به چشم می‌آید و این سؤال را بار دیگر یادآوری می‌کند که دختران ایران زمین چه سهمی در افتخارآفرینی برای کشورشان دارند؟ راستی اگر دختران ایران‌زمین که مخاطب این شبکه هستند، خود را جزئی از جامعه امروز نینبند، چگونه می‌توانند برای خود نقشی در فردای ایران تعریف کنند؟ البته زنان سال‌هاست درباره این حذف‌شدن و عدم رعایت برابری در عرصه‌های مختلف گفته و نوشته‌اند اما کمتر توجهی به آنان شده است؛ مصداق آن را می‌توان در تحقیقی که اشرف بروجردی با عنوان «درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت (مطالعه موردی زنان در جمهوری اسلامی ایران» در پژوهش‌نامه زنان منتشر کرده است، مشاهده کرد. طبق این تحقیق که ایستنا به آن استناد کرده است، سهم مدیریتی زنان در مقابل مردان در سال‌های ۹۶ تا ۹۸ بسیار اندک است؛ به‌طوری‌که در مقابل ۶۷هزارو ۹۸۳ مدیر مرد تنها پنج‌هزارو ۶۰۰ مدیر زن حضور داشتند؛ یعنی مردان در مدیریت ایران سهم ۹۳٫۷درصدی داشته‌اند و علی‌رغم اینکه احزاب حداقل در دولت دوازدهم به ریاست‌جمهوری حسن روحانی درخاست ۳۰درصدی حضور زنان را داشته‌اند، فقط ۶٫۳ درصد سهم برایشان در نظر گرفته شده است.

این روزها توجه‌ها به مسائل زنان بیشتر جلب شده است و سؤالاتی درباره اتفاقاتی که به نظر ضروری نمی‌رسند، مطرح می‌شود. مثلا اینکه بسیاری از ما سال‌هاست به عدم همنشینی زنان و مردان در مناسبت‌های سیاسی و سخنرانی‌ها عادت کرده‌ایم اینکه زنان همیشه باید پشت مردان باشند. چرا همنشینی رخ نمی‌داده است؟

در کنفرانس‌های دانشگاهی یا… این روند صورت می‌گرفته است اما وقتی قرار بر حضور در مکان‌های خاص می‌شده، ناگهان زنان باید پشت مردان می‌نشستند و البته دلیلی هم برای آن آورده نمی‌شده است. یا یکی از اقداماتی که این روزها شاهد آن هستیم و در دانشگاه‌های مختلف رخ داده است، همین جدایی سلف‌ها و رستوران‌های دختران و پسران است؛ هرچند اکنون خود دانشجویان اقدام کرده‌اند و در دانشگاه‌های مختلف سلف‌های خود را یکی می‌کنند. راستی کسی جوابی برای این سؤال دارد که دلیل جدایی سلف‌ها در دانشگاه‌ها چیست؟از چه زمانی این اتفاق افتاده است؟ اصلا چرا باید این‌همه هزینه صرف این جدایی می‌شد؟ در شبکه‌های اجتماعی سؤال‌های ساده‌ای در این زمینه می‌پرسند؛ همچون اینکه مگر دانشجویان در تمام ساعات کلاس در کنار هم بدون اتفاق خاصی درس نمی‌خوانند؟ مگر قرار است موقع ناهار و غذا چه اتفاقی بیفتد؟ این روزها که مطالبه برابری شنیده می‌شود، توجه به این نکته‌ها که به نظر کوچک می‌رسند، می‌تواند مهم‌تر از هر زمان دیگری باشد؛ البته اگر قرار بر شنیدن و توجه باشد. این نکته‌هایی است که هرکدامشان به نوعی یادآور و نشانه حذف دختران و انداختن فاصله بین آنان، جامعه و کشور است.